

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

## دل‌نوشته‌ای در وداع با حضرت زهرا علیها السلام

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمةَ وَ آبيها وَ بَعْلِها وَ بَنِيها بَعْدَ ما أَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ»

در روز بسیار بزرگ و سنگینی قرار داریم. هفتاد و پنج روز از رحلت و به عقیده‌ی من شهادت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بیشتر نگذشته است که داغ سنگین شهادت تنها یادگار رسول الله صلی الله علیه و آله، فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی کبری علیها السلام، بر قلوب اهل بیت علیهم السلام و دوستداران آنها نشست. برای این رخداد، نقل‌های مختلفی وجود دارد، امروز، روز سیزدهم جمادی‌الاولی یکی از روزهای محتمل شهادت صدیقه‌ی کبری علیها السلام است. بنابه نقل دیگری که آن هم نقل قوی‌بی است، شهادت آن حضرت نود و پنج روز بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله رخ داده است که مصادف با سوم جمادی‌الثانی است؛ البته برای این حادثه، مدّت کوتاه‌تری، یعنی چهل روز بعد از شهادت پیغمبر صلی الله علیه و آله هم نقل شده است و اهل سنت که خواسته‌اند این مدّت را خیلی طولانی کنند و بین رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و شهادت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فاصله بیندازند، این مدت را شش ماه نقل کرده‌اند.

در مورد زمان شهادت حضرت هم دو نقل وجود دارد؛ یا بین زمان اقامه‌ی نماز ظهر و اقامه‌ی نماز عصر بوده است که اگر این‌گونه بوده باشد، دقیقاً در همین ساعاتی است که ما در این مجلس حضور داریم؛ و یا بین نماز مغرب و نماز عشا بوده است؛ چون همان‌طور که می‌دانید، غالباً نمازها را با فاصله بجا می‌آوردند. به هر حال، آخرین ساعت یا آخرین ساعات عمر حضرت زهرا علیها السلام است؛ ساعت وداع و خداحافظی با آن بزرگوار است. همان‌طور که می‌دانید،

در زبان عربی هم موقع آغاز دیدار و ملاقات به یکدیگر سلام می‌کنند و هم موقع خداحافظی؛ لذا زیاراتی که برای حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد را به دو نیت می‌توان خواند؛ هم به نیت آغاز دیدار و ملاقات و آغاز حضور و تشریف می‌شود سلام داد: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ»؛ به لحاظ دوم هم که عرب سلام را به هنگام جدایی به معنای خداحافظی ادا می‌کند، این‌گونه هم می‌شود سلام داد. این ساعات ساعتی است که سلام با معنای دوم خیلی مصداق پیدا می‌کند. «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ» یعنی خداحافظ ای دختر پیامبر! «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ». و اکنون این‌گونه می‌توان برای حضرت، زیارت نامه خواند؛ یعنی در این ساعت یا ساعات آخر، می‌توان کنار بستر فاطمه‌ی زهرا علیها السلام رفت و با آن حضرت وداع و خداحافظی کرد؛ به خاطر آورد که فاطمه که بود و ما از که داریم جدا می‌شویم؛ از چه وجود نازنین و عظیم‌القدری داریم جدا و محروم می‌شویم و این‌گونه به حضرت زهرا علیها السلام سلام داد.

امروز نزدیک ظهر، این حال به من دست داد؛ زندگی حضرت زهرا علیها السلام را مرور کردم و شروع کردم به وداع کردن با آن حضرت. همان عبارت‌هایی را که به دلم جاری می‌شد، دور از هر نوع تکلف و تصنع ادبی، بر روی کاغذ نوشتم. حال که موقع خداحافظی با حضرت است، با همین عبارت‌ها می‌توانیم هم زندگی آن بزرگوار را مرور کنیم و هم با آن بزرگوار خداحافظی کنیم؛ بگوییم:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ» سلام بر تو ای فاطمه، سلام بر تو که با یک چهل‌نشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام و با افطار آن میوه‌ی بهشتی که جبرئیل برای آنها آورد، نطفه‌ی تو در این عالم منعقد شد!<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

سلام بر تو که تولدت از مادر با دستیاری آن چهار بانوی بزرگ بهشتی؛ ساره، کلثوم، مریم و آسیه و با کمک حوریان بهشتی صورت گرفت<sup>۱</sup>.

سلام بر تو که در پنج سالگی مادر را از دست دادی؛ اما خود، مادر پدر شدی<sup>۲</sup> و غمخوار و حافظ و حامی او گشتی.

سلام بر تو که در نه سالگی با مهریه‌ای که از فروش زره علی فراهم شد، به کابین او درآمدی و خود تا پایان عمر به جای آن زره محافظت از علی را بر عهده گرفتی<sup>۳</sup>.

سلام بر تو که در شب عروسی خود جامه‌ی نو خویش را به سائل بخشیدی و با جامه‌ی کهنه به خانه‌ی شوهر رفتی<sup>۴</sup>.

سلام بر تو که کار خانه‌ات را با فضه‌ی خادمه به تساوی تقسیم کردی؛ تا هر کدام یک روز در میان کار کنید<sup>۵</sup>.

سلام بر تو که دستاس دستانت را خون آلود می‌ساخت<sup>۶</sup> و بند مشک آب، بر گرده و سینه‌ات خط کبودی بر جای گذارده بود<sup>۷</sup>.

---

۱. «... فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَمْوَالُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيعَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كُلُّهُمُ

أَخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳.

۲. «أَنَّ فَاطِمَةَ ع كَانَتْ تُكْتَبُ أُمَّ أَبِيهَا»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹.

۳. «قَالَ عَلِيُّ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَمِيعَ الدَّنْعِ فَعَمَّتْ فِعْنَتُهُ وَ أَخَذْتُ الثَّمَنَ وَ دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَسَكَبْتُ الدَّرَاهِمَ فِي خَجْرِهِ فَلَمْ

يَسْأَلْنِي كَمْ هِيَ وَ لَا أَنَا أَخْبِرْتُهُ ثُمَّ قَبَضَ قَبْضَةً وَ دَعَا بِلَالًا فَأَعْطَاهُ فَقَالَ ابْتِغِ لِفَاطِمَةَ طَيِّبًا ثُمَّ قَبَضَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنَ الدَّرَاهِمِ بِكُلْتَا يَدَيْهِ فَأَعْطَاهُ

أَبَا بَكْرٍ وَ قَالَ ابْتِغِ لِفَاطِمَةَ مَا يُصْلِحُهَا مِنْ ثِيَابٍ وَ آثَابِ الْبَيْتِ وَ أَرْدَفَهُ بَعْمَارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ بَعْدَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ فَحَضَرُوا السُّوقَ...»: مجلسی، بحار،

ج ۴۳، ص ۹۴.

۴. ملبویی، الوقایع و الحوادث ج ۴، ص ۱۸۶.

۵. «... فَقَالَتْ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ تَكُونِ الْجِدْمَةَ لَهَا يَوْمًا...»: مجلسی، بحار، ج ۴۳، ص ۲۸.

سلام بر تو که رسول خدا ﷺ تو را پاره‌ی تن<sup>۹</sup> و میوه‌ی دل و جان خویش نامید<sup>۱۰</sup> و سرور بانوان تاریخ آفرینش خواند<sup>۱۱</sup> و رضایت، سخط، خشنودی، خشم، محبت، عداوت، آزار و اذیت تو را رضایت، سخط، خشنودی، خشم، محبت، عداوت، آزار و اذیت خویش معرفی فرمود<sup>۱۲</sup>.

سلام بر تو که در هجده سالگی و در حالی که به پنجمین فرزندت، محسن باردار بودی، پدرت پیامبر ﷺ را از دست دادی و مردم مدینه به جای تسلیت، به خانه‌ات هجوم آوردند و در خانه را به آتش کشیدند و در نیم سوخته را با لگد شکستند؛ استخوان سینه‌ات را بین در و دیوار شکستند؛ با تازیانه بر تو حمله آوردند و با ضربات لگد، فرزندت را به شهادت رساندند<sup>۱۴</sup>.

---

۷. «كَانَتْ فَاطِمَةُ عَ جَالِسَةً قَدَامَهَا رَحَى تَطْحَنُ بِهَا الشَّعِيرَ وَ عَلَى عَمُودِ الرَّحَى دَمٌ سَائِلٌ...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸.

۸. «أَلَا أَعْدْتُكَ ... وَ أَنهَا اسْتَقَمَّتْ بِالْقَرْبَةِ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۲.

۹. «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳.

۱۰. «... هِيَ تَمْرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَّتِي...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.

۱۱. «... فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

۱۲. «... هَلْ سَمِعْتُمَا النَّبِيَّ ص يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۴.

۱۳. «... رِضَا فَاطِمَةَ مِنْ رِضَائِي وَ سَخَطُ فَاطِمَةَ مِنْ سَخَطِي وَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَرْضَى فَاطِمَةَ فَقَدْ أَرْضَانِي وَ مَنْ أَسَخَطَ

فَاطِمَةَ فَقَدْ أَسَخَطَنِي...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۵۷.

۱۴. «... فَقُلْتُ: إِنْ لَمْ يَخْرُجْ جُنْتُ بِالْحَطَبِ الْجَزَلِ وَ أَضْرَثْتُهَا نَارًا عَلَى أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ وَ أُحْرِقُ مَنْ فِيهِ، أَوْ يُقَادَ عَلَيَّ إِلَى الْبَيْعَةِ، وَ أَخَذْتُ سَوْطًا فَتَنُفِدُ فَضْرَتِي وَ قُلْتُ لِخَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ: أَنْتَ وَ رِجَالُنَا هَلُمُّوا فِي جَمْعِ الْحَطَبِ، فَقُلْتُ: إِنِّي مُضْرِمُهَا فَقَالَتْ: يَا عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّ رَسُولِهِ وَ عَدُوَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، فَضْرَبَتْ فَاطِمَةَ يَدَيْهَا مِنَ الْبَابِ تَمْنَعُنِي مِنْ فَتْحِهِ فَرَمْتُهُ فَتَصَعَّبَ عَلَيَّ فَضْرَبْتُ كَفَّيْهَا بِالسَّوِطِ فَالْتَمَّهَا، فَسَمِعْتُ لَهَا زَفِيرًا وَ بُكَاءً، فَكَدْتُ أَنْ أَلْبِنَ وَ أَنْقَلِبَ عَنِ الْبَابِ فَكَذَرْتُ أَحْقَادَ عَلِيِّ وَ وُلُوعَهُ فِي دِمَاءِ صَنَادِيدِ الْعَرَبِ، وَ كَيْدُ مُحَمَّدٍ وَ سِحْرُهُ، فَكَرَلْتُ الْبَابَ وَ قَدْ أَلْصَقَتْ أَحْشَاءُهَا بِالْبَابِ تَنْزُسُهُ، وَ سَمِعْتُهَا وَ قَدْ صَرَخَتْ صَرْخَةً حَسْبُهَا قَدْ جَعَلَتْ أَعْلَى الْمَدِينَةِ أَسْفَلَهَا، وَ قَالَتْ: يَا أَبْتَاهَا! يَا رَسُولَ اللَّهِ!

سلام بر تو که با پهلوی شکسته و فرزند سقط شده برای نجات علی برخاستی و کشان کشان در کوچه خود را به او رساندی و مانع بردن او شدی؛ ولی ضربات غلاف شمشیر قنغد دستت را از علی جدا ساخت و بر زمین افتادی و آنگاه هرکس با هرچه در دست داشت، بر تو هجوم آورد و تو را زیر ضربات خود گرفت.<sup>۱۵</sup>

سلام بر تو که به محض رهایی از دست مهاجمان، خود را به مسجد رساندی و تهدید کردی که اگر از علی دست بردارند، نفرین می‌کنی و با این تهدید ستون‌های مسجد از جا کنده شد و مدینه به لرزه درآمد و تنها به خواهش علی از نفرین کردن منصرف شدی.<sup>۱۶</sup>

سلام بر تو که با تنی رنجور و دلی خون و پهلویی شکسته چهل شب همراه با علی و حسنین به در خانه‌ی مهاجر و انصار رفتی و ماجرای غدیر و بیعتشان با علی را بازگو کردی و برای یاری علی از آنان کمک خواستی و بی‌پاسخ و مایوس برگشتی.<sup>۱۷</sup>

---

هَكَذَا كَانَ يُفْعَلُ بِحَبِيبِكَ وَ ابْنِكَ، آو يَا فَضَّةُ! إِلَيْكَ فُخْدِي بِي فَقَدْ وَ اللَّهُ قِيلَ مَا فِي أَحْسَائِي مِنْ حَمَلٍ...: مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۲۹۴.

۱۵. «... وَ أَلْقَا فِي عُنُقِهِ خَيْلًا أَسْوَدَ وَ حَالَتْ فَاطِمَةُ عَ بَيْنَ زَوْجِهَا وَ بَيْنَهُمْ عِنْدَ بَابِ الْبَيْتِ فَضَرَبَهَا فَنُقِدُ بِالسُّوْطِ عَلَي عَضُدِهَا فَبَقِيَ أَثَرُهُ فِي عَضُدِهَا مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الدَّمْلُوجِ... مِنْ ضَرْبِ فُنُقِدِ إِيَّاهَا فَارْسَلُ أَبُو بَكْرٍ إِلَى فُنُقِدِ اضْرِبْهَا فَأَلْجَأَهَا إِلَى عِضَادَةٍ بَيْنَهَا فَدَفَعَهَا فَكَسَرَ ضِلْعاً مِنْ جَنْبِهَا وَ أَلْقَتْ جَنْباً مِنْ بَطْنِهَا فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةَ فِرَاشٍ حَتَّى مَاتَتْ مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً...»: طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۸۳.

۱۶. «أَنَّهُ لَمَّا اسْتُخْرِجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ مِنْ مَنْزِلِهِ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى الْقَبْرِ فَقَالَتْ خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّي فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَيْنَ لَمْ تُخَلُّوا لِأَنْشُرَنَّ شَعْرِي وَ لِأَضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَي رَأْسِي وَ لِأَضْرَحَنَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَمَا نَافَعُهُ صَالِحٌ بِأَكْرَمِ عَلَي اللَّهِ مِنْ وَلَدِي قَالَ سَلْمَانَ فَرَأَيْتَ وَ اللَّهُ أَسَاسَ حَيْطَانِ الْمَسْجِدِ تَقَلَعْتُ مِنْ أَسْفَلِهَا حَتَّى لَوْ أَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَنْقُدَ مِنْ تَحْتِهَا نَقْدًا فَدَنَوْتُ مِنْهَا وَ قُلْتُ يَا سَيِّدَتِي وَ مَوْلَاتِي إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ أَبَاكَ رَحْمَةً فَلَا تَكُونِي نِقْمَةً فَرَجَعَتْ الْحَيْطَانُ حَتَّى سَطَعَتِ الْعَبْرَةُ مِنْ أَسْفَلِهَا فَدَخَلَتْ فِي خِيَابِئِنَا»:

مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۷.

سلام بر تو که در مسجد پیامبر ﷺ خطبه خواندی و کودتاچیان سقیفه را رسوا ساختی و از انصار یاری طلبیدی؛ اما پاسخی دریافت نکردی و غریب و مظلوم مورد بدترین و بی‌شرمانه‌ترین توهین‌های خلیفه قرار گرفتی.<sup>۱۸</sup>

سلام بر تو، سلام بر تو که به جرم حق طلبی و دفاع از علی، صورتت با سیلی شقی‌ترین خلق خدا سیاه شد<sup>۱۹</sup> و مدهوش در کوچه بر زمین افتادی.

سلام بر تو که اهل مدینه حتی گریستن تو را تحمل نکردند و ناگزیر هر روز صبح همراه با حسنین به بیرون مدینه و آن سوی بقیع می‌رفتند و در بیت‌الاحزانی که علی برایت تدارک دید، تا شام اشک می‌ریختی.<sup>۲۰</sup>

سلام بر تو، سلام بر تو که علی با شنیدن خبر رحلت در مسجد، بیهوش شد و با صورت بر زمین افتاد<sup>۲۱</sup> و پس از به هوش آمدن در فاصله‌ی مسجد تا خانه، بارها بر زمین افتاد و با "یا فاطمه گفتن" دست به زانو گرفت و برخاست.

---

<sup>۱۷</sup> «... وَ طُفَّتْ عَلَيْهِمْ فِي بُيُوتِهِمْ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْمِلُنِي وَ مَعِيَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ لَيْلًا وَ نَهَارًا إِلَى مَنَازِلِهِمْ أَذْكُرُهُمْ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ أَلَّا تَطْلُمُونَا وَ لَا تَغْصِبُونَا حَقَّنَا الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا، فَيُجِيبُونَا لَيْلًا وَ يَفْعُدُونَ عَن نُّصْرَتِنَا نَهَارًا...»؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۳۴۸.

<sup>۱۸</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۱.

<sup>۱۹</sup> «... وَ دَخَلْتُ فَأَقْبَلْتُ إِلَيْ بُوْجِهِ أَغْشَى بَصْرِي، فَصَفَّقْتُ صَفْقَةً عَلَى خَدَّيْهَا مِنْ ظَاهِرِ الْجِمَارِ فَأَنْقَطَعَ قُرْطُهَا...»؛ مجلسی، بحار، ج ۳۰، ص ۲۹۴.

<sup>۲۰</sup> «... ثُمَّ إِنَّهُ بَنَى لَهَا بَيْتًا فِي الْبَقِيعِ نَازِحًا عَنِ الْمَدِينَةِ يُسَمَّى بَيْتَ الْأَحْزَانِ وَ كَانَتْ إِذَا أَصْبَحَتْ قَدَّامَتِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عِ آمَامَتِهَا وَ خَرَجَتْ إِلَى الْبَقِيعِ بَاكِئَةً...»؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷.

<sup>۲۱</sup> «... قَدْ مَاتَتْ أُمَّنَا فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا قَالَ فَوَقَعَ عَلَيَّ عِ عَلِيٍّ وَ وَجْهِي...»؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۷.

سلام بر تو، سلام بر تو که به خواهش علی، جان به پیکرت بازگشت و آنگاه هر دو بر غربت و مظلومیت یکدیگر و در غم جدایی از هم با هم گریستید<sup>۲۲</sup>.

سلام بر تو که با دست مجروح به سختی اشک‌های علی را از گونه‌اش پاک می‌کردی و به صورت خود می‌کشیدی و می‌گفتی: پدرم پیامبر فرمود: اشک مظلوم آتش غضب الهی را فرو می‌نشاند، و علی! من از تو مظلوم‌تر کسی را نمی‌شناسم.

سلام بر تو، سلام بر تو که در غربت جان سپردی و در شب غسل داده شدی و کفن پوشیدی و غریبانه به خاک سپرده شدی<sup>۲۳</sup>.

سلام بر تو، سلام بر تو که به هنگام غسل دادنت دست علی به بازوی متورم رسید و از عمق جان ناله‌ای کشید و سر به دیوار نهاد و با صدای بلند گریست.

سلام بر تو، سلام بر تو که در وداع آخرین فرزندان با پیکر بی‌جان تو، فرشتگان آسمان به خروش آمدند و ملکوت هستی متلاطم گشت<sup>۲۴</sup>.

سلام بر تو، سلام بر تو که پس از دفنت، علی دست‌های خود را بر هم زد و دامان پیراهن عربی خود را تکان داد؛ یعنی همه‌ی هستی‌ام از دستم رفت.

سلام بر تو، سلام بر تو که علی آرزو کرد جانش همراه با ناله‌اش از سینه‌اش بیرون می‌آمد و پس از تو دیگر زنده نمی‌ماند<sup>۲۵</sup>.

---

۲۲. «...فناداها یا فاطمة کلمینینی فانا ابن عمک علی بن ابي طالب قال ففتحت عینها فی وجهه و نظرت إلیه و بکت و بکی...»: مجلسی،

بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۸.

۲۳. «...حطینی و غسلی و کفنی باللیل...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۴.

۲۴. «و إذا بهاتف من السماء ینادی یا ابا الحسن ارفعهما عنها فلقد أنکبا و الله ملائکة السماوات...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص

سلام بر تو و غربت و مظلومیت! سلام بر تو و بر پدر، همسر و فرزندان!

و نفرین بر قاتلان و ستمگران و غاصبان حقت! و نفرین بر تماشاچیان ساکتی که سکوت و بی‌عملی‌شان به کودتاچیان بی‌دین و منافق و جنایتکار سقیفه جرأت چنین جسارت عظیم را بخشید.

«السلام علیک یا مُتَحَنَّةُ امْتَحَنکَ اللهُ الَّذِی خَلَقَ قَبْلَ اَنْ یَخْلُقَکَ فَوَجَدَکَ لِمَا امْتَحَنَکَ صَابِرَةً و رَحِمَهُ اللهُ و

برکاته»

شهادت صدیقیه کبری، فاطمه‌ی زهرا صلوات‌الله‌علیها را به محضر فرزند برومند آن بزرگوار، حضرت بقیه‌الله‌الاعظم - ارواحنا لتراب مقدمه‌الفداء - به حضور پیغمبرخاتم، پدر بزرگوار فاطمه و به محضر امیرالمؤمنین، شوی بزرگوار زهراى مرضیه، به پیشگاه حسنین و زینبین علیهم‌السلام فرزندان آن بزرگوار و سلاله‌ی معصوم فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام، ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام و به همه‌ی دلدادگان آستان فاطمی و سرسپردگان و ارادتمندان آن بزرگوار تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم خدای متعال با صدور امر فرج فرزند بزرگوار آن حضرت و گرفته شدن انتقام خون به ناحق ریخته‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام و فرزند معصوم و مظلوم او، محسن علیه‌السلام و همه‌ی فرزندان معصوم او، ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام، مرهمی بر قلوب شیعیان آن بزرگوار بنهد و این داغ سنگین که هزار و چند صد سال است بر قلب شیعه نهاده شده و این کینه و نفرت عمیق از جنایتکارانی که این جنایت مهلک و تصوّر ناشدنی را مرتکب شده‌اند، با گرفته شدن انتقام خون آن بزرگوار و با بیرون کشیده شدن آن دو پلید از مدفنشان و به محاکمه کشیدن و به آتش کشیدن آنها به جرم جنایتی که نسبت به فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام کردند، به دست حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنفاده اندکی از بار این داغ کم شود و دیدن دولت کریمه‌ی حضرت بقیه‌الله‌الاعظم

۲۵. «نَفْسِی عَلٰی زَفَرَاتِهَا مَخْبُوسَةٌ ... یَا لَیْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَرَاتِ...»: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳.



ارواح‌ناده و شادی آن دیدار بتواند غم سنگین شهادت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را در شیعیان تسلی بخشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ